

نمادپردازی در افسانه «خاتون چهارشنبه‌سوری» در گیلان

فیروزه محسنی^{۱*}

(تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۴، تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۵)

چکیده

با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی گیلان، افسانه‌ها جایگاه ویژه‌ای در ساختار فرهنگی مردم آن دارد. از جمله این افسانه‌ها، «خاتون چهارشنبه‌سوری» است که نقش برجسته‌ای در فرهنگ بومی گیلان در گذر زمان ایفا کرده است و آداب و رسوم ویژه‌ای دارد. در پژوهش حاضر ضمن بیان افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری، به نمادشناسی و اسطوره‌شناسی آن اشاره می‌شود. سپس از منظر نظریه‌های مربوط به آن، از جمله نظریه یاده پژوهش و بررسی می‌شود. این مقاله با هدف بررسی مفاهیم اسطوره‌ای و نمادین افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری، آیین‌ها و باورهای مربوط به آن، با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و سپس تحلیل داده‌ها تهیه شده است. واژه‌های کلیدی: افسانه، خاتون چهارشنبه‌سوری، میرچا الیاده، گیلان.

۱. کارشناس ارشد ایران‌شناسی (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

افسانه «خاتون چهارشنبه‌سوری» از جمله افسانه‌های مشهور گیلان است که ریشه در اساطیر و باورهای کهن این مرز و بوم دارد. در این افسانه، خاتون پیرزنی دانا و با چهره‌ای خشن است که سالی یک‌بار و آن هم در شب چهارشنبه‌سوری از مکان و مأوای تاریک خود- که در چاهی کهنه و در مکانی نامعلوم است- بیرون می‌آید. وی بعد از سرکشی از منازل و بررسی نظافت آن‌ها، سپیده‌دمان به مکان دائمی خود برمی‌گردد. این بانو که خویشکاری‌های متفاوتی دارد (ر.ک: ادامه مقاله)، به‌گونه‌ای می‌تواند سرنوشت افراد را در طول سال آتی تغییر دهد؛ بنابراین مردم گیلان برایش ارج و اهمیت زیادی قائل‌اند و با انجام اعمالی خاص و دادن فدیة سعی در تکریم و جلب توجه او دارند.

بنابر این افسانه، مردمان گیلان هر ساله در چنین شبی، منتظر ورود وی می‌شوند و برای خوشنودی‌اش، از قبل منازل خود را تمیز می‌کنند، لباس پاکیزه می‌پوشند، از خوراک‌های مخصوص شب چهارشنبه‌سوری برایش سفره‌ای تدارک می‌بینند و در گوشه‌ای تا صبح می‌گسترانند. آن‌ها بر این باورند که خاتون در چنین شبی بعد از سرکشی از منازل به تمیزترین خانه‌ها می‌رود، غذا می‌خورد و با این عمل خانه آن‌ها تا سال آینده پریکت خواهد بود؛ اما اگر خاتون ناراضی باشد، سال بدی خواهند داشت. این افسانه در دیگر نقاط کشور با نام‌های مختلف و با خویشکاری و آدابی تقریباً مشابه اجرا می‌شود. در پژوهش حاضر به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا این افسانه در باورهای کهن مردم گیلان ریشه دارد؟ می‌توان گفت بسیاری از باورهای کهن به تناسب شرایط زمانی، مکانی و پیشرفت‌هایش در زمینه‌های مختلف، به مرور منسوخ شده است یا با تغییراتی می‌توان ردپای بن‌مایه‌های اساطیری آن را در افسانه‌ها و آیین‌های مختلف دید.

۲. پیشینه پژوهش

درباره آیین خاتون چهارشنبه‌سوری در بسیاری از مقالات و پژوهش‌های مردم‌شناختی گیلان، به خصوص در آیین مربوط به نوروز مطالبی آمده است، از جمله می‌توان به آثار

مشترک محمد بشرا و طاهر طاهری در جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان، اشاره کرد؛ اما تاکنون کمتر نویسنده و محقق به بررسی تحلیلی و نمادشناسی افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری پرداخته است. در این مورد آثار ارزشمند علی تسلیمی، ادیب، نویسنده و پژوهش‌گر افسانه‌های محلی و همچنین افسانه زندگان اثر حسن علیزاده را می‌توان نام برد.

نگارندگان در این مقاله از نظرات پژوهنده‌گان افسانه‌های محلی، نمادشناسان و اسطوره‌شناسانی همچون شوالیه، گربران و کوپر استفاده کرده و به نتایج مفیدی رسیده‌اند.

۳. مبانی نظری

میرچا الیاده، اسطوره‌شناس بزرگ رومانیایی (۱۹۰۷-۱۹۸۶) به مطالعه در جوامع ابتدایی و اساطیر قومی - که در تاریخ بشری نقش مهمی داشته‌اند - پرداخته و با بررسی بعضی از شکل‌های رفتار اساطیری در دنیای مدرن، به این نتیجه رسیده است که تمامی اعمالی آیینی که انسان‌ها انجام می‌دهند، نمونه‌هایی از آن‌ها را خدایان و اساطیر با عنوان صور مثالی و یا صور ازلی، انجام داده‌اند و انسان در هر دوره‌ای به تکرار آن‌ها می‌پردازد. به نظر وی، انسان با تکرار آن‌ها زمان را به تعلیق درمی‌آورد و با انجام آن اعمال، خود را با زمان خدایان هم‌عصر می‌کند. از این‌رو، تولد، آیین‌های گذار، ازدواج، مرگ، جشن‌ها، تطهیر، تدفین، جنگ، مرگ و غیره همگی صورتی ازلی داشته‌اند.

۳-۱. افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری

مردم گیلان روایتی شیرین از افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری بیان می‌کنند. هر ساله زنی به نام خاتون در شب چهارشنبه‌سوری از داخل چاهی در بیابان بیرون می‌آید و صبحدم به آنجا برمی‌گردد. او شب به خانه مردم می‌رود و نظافت خانه و تمیزی غذای آن‌ها را نظارت می‌کند. در تمیزترین خانه غذا می‌خورد و خانه را پر از برکت می‌سازد. غذای او معمولاً ماست، ماهی و تره است. اگر خاتون از خانه‌ای ناراضی باشد، سال ناخوشی در انتظار خانواده خواهد بود. وی جای گنج‌ها را می‌داند. نقل است مردی چاه خاتون را در بیابان پیدا کرد و در شب

چهارشنبه‌سوری سر همان چاه به انتظارش نشست. در نیمه شب ناگهان از درون چاه، صدای جوش و خروش آب به گوش رسید، متوجه شد که این خاتون است که می‌خواهد از چاه بیرون آید. آب چاه از تلاطم افتاد، خاتون از چاه بیرون آمد، سرش را بلند کرد، جوان را دید و گفت: «چه می‌خواهی؟» مرد که بسیار به هیجان درآمده بود به خاتون گفت: «جای گنج را به من بگو. خاتون در پاسخ گفت: «باشد ولی شرطی دارد. من یک سیلی به تو می‌زنم. اگر تحمل آن را داشته باشی، جای گنج را خواهم گفت». مرد پذیرفت. خاتون به او سیلی زد و مرد بی‌هوش شد و بر زمین افتاد. زمانی به هوش آمد که آفتاب در وسط آسمان بود (تسلیمی، ۱۳۹۰: ۲۰۲).

۳-۲. باورها و رسوم گیلانی‌ها درباره افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری

بنابر این افسانه، در مناطق مختلف گیلان در این شب، برای خاتون چهارشنبه‌سوری خوراک‌های مختلفی تدارک می‌بینند. آن‌ها چند نوع غذا را خاص خاتون می‌دانند که در سفره مخصوصش، به نام «سفره چهارشنبه‌خاتون»، می‌گذارند، از جمله ماست، ماهی و تره.

تالشی‌ها که او را «چارشنبه‌خاتون»^۱ می‌نامند و با صفاتی چون «گلابتون گیسوبلند و دارای اندام زیبا» توصیف می‌کنند (موسوی، ۱۳۸۶: ۷۵)، بر این باورند که خاتون، شب چهارشنبه‌سوری، هنگام خواب، از خانه آن‌ها دیدن می‌کند (رفیعی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) و در صورت نبود غذا، خاطرش آزرده می‌شود. بنابراین، بانوان تالشی برای چهارشنبه‌سوری دو سفره مجزا تدارک می‌بینند؛ یک سفره برای خانواده و دیگری برای چهارشنبه‌خاتون. آن‌ها از تمامی خوراکی‌های آن شب، مقداری را برداشته و سفره‌ای هفت‌قلم به نام «سفره چهارشنبه‌خاتون» در گوشه‌ای از خانه تدارک می‌بینند. ماسالی‌ها بر این باورند، در صورتی که خاتون در این شب از نظافت خانه‌ای خوشش بیاید و از غذاهای آنجا بخورد، خیر و برکت نصیب صاحب‌خانه می‌شود (عاشوری، ۱۳۸۵: ۲۳۴).

آگاهی از جای گنج‌ها و برآورده کردن آرزوهای انسان‌ها از جمله خویشکاری قائل‌شده برای این شخصیت افسانه‌ای است؛ لذا بنابر باور عامه، اگر کسی چاه را بیابد

نمادپردازی در افسانه «خاتون چهارشنبه‌سوری» در گیلان _____ فیروزه محسنی

و در آن شب به سر چاه برود و منتظر خروج خاتون شود، از او هر چه بخواهد، برآورده می‌کند.

از دیگر آداب چهارشنبه‌سوری در گیلان که به نوعی با خاتون چهارشنبه مرتبط است، طلب نیاز و مراد دختران از چاه آبی است. دختران دم بخت و مشتاق ازدواج، در این شب به کنار چاهی می‌روند، سرشان را درون آن خم می‌کنند و خیره به آب چاه، طلب و نیاز خود را می‌گویند. برخی نیز هنگام نگاه‌کردن به آب، قفل بسته‌ای را به امید گشوده‌شدن بختشان، باز می‌کنند (بشرا و طاهری، ۱۳۸۸: ۸۵، ۸۶).

اهالی پیربازار بر این باورند که اگر کسی در غروب چهارشنبه‌سوری بر سر چاه کهنه‌ای که هفت سال از آن آب بر نداشته‌اند، برود و چهارشنبه‌خاتون را صدا بزند، آب آن به جوش و خروج خواهد آمد و اگر شخص نترسد و آنجا را ترک نکند، پس از دقایقی هر آرزویی داشته باشد، برآورده می‌شود (غلامی‌کفترودی، ۱۳۷۹: ۲۲۴).

مردمان شفت معتقدند چهارشنبه‌خاتون هر ساله در این روز می‌آید و درون چاه می‌رود؛ بنابراین هرکس نذری دارد، سر شب بر سر چاه می‌رود، او را صدا می‌زند و نیاز خود را تقاضا می‌کند (افشاریان، ۱۳۸۸: پ ۲۵۴-۲۵۵).

۳-۳. اعتقاد به خاتون چهارشنبه‌سوری در میان دیگر اقوام

دیگر نمونه‌های افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری را می‌توان در مناطق مختلف ایران یافت. مردمان دیگر مناطق هر ساله با تکرار افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری، باری دیگر خاتون را از دل قصه به زندگی واقعی فرا می‌خوانند و با او لحظاتی را، هر چند کوتاه، سر می‌کنند.

اهالی زیدون از توابع بهبهان، به موجودی به نام ذی عید (مادر عید) معتقدند. ذی عید در هفت روز اول عید، به خانه‌ها می‌آید و همه جا را بازرسی می‌کند. اگر خانه مرتب و تمیز و نیز غذا موجود باشد، خوشحال می‌شود. برای همین آن‌ها، از چند روز قبل از عید تا روز هفتم عید، در سله‌های نان باقلا، کُنار^۲ و راجونه^۳ می‌گذاشتند (گنجی، ۱۳۸۹: ۵۵).

مردمان تکاب آذربایجان به «خاتون چهارشنبه» به‌عنوان برکت‌رسان خانواده‌ها اعتقاد دارند. آن‌ها در این شب دیوار انبار آرد منازلشان را نمناک کرده و با آرد، شکل زنی

کفگیر به دست با دیگی در جلو ترسیم می‌کنند. آن‌ها همانند گیلانی‌ها معتقدند خاتون در این شب به خانه‌ها سرکشی می‌کند و با خود خیر و برکت می‌آورد. به همین دلیل مقداری قورقا (گندم برشته) دوروبر سکوی منازلشان می‌ریزند که آن را سهم «خاتون چهارشنبه» می‌دانند (نظرزاده، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

کردهای ایران، برای شب اول بهار آش خاصی به نام «ناشی کی وانوی ئه وه‌لی وه‌هار»، به معنی آش مخصوص کدبانوی آغاز بهار می‌پزند. بعد از پخت، نخست مقداری از آن را در کاسه‌ای می‌ریزند و هنگام خواب آن را در کنار اجاق می‌نهند. به باور آن‌ها، بانو آن را می‌خورد و برای آن خانواده دعای خیر و طلب روزی می‌کند و رضایت او مایه برکت خانه می‌شود (شعاعی و پیرزادی، ۱۳۸۷: ۴۹).

همچنین اهالی میناب در استان هرمزگان باور دارند که نوروز مادری دارد و در هنگام خواب مادر نوروز شکم آن‌ها را واری می‌کند. اگر دید که کسی سیر هست، تمام سال، روزی‌اش افزون می‌گردد؛ در غیر این صورت، رزق و روزی‌اش در آن سال کم و در بیشتر ایام سال گرسنه خواهد ماند. به همین دلیل در این ایام خوشه‌های تازه گندم و پیاز را به‌عنوان سهمیه مادر نوروز، بر سردر خانه می‌گذارند (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

نشانه‌های خاتون چهارشنبه‌سوری را در افسانه‌ها و اساطیر روسی نیز می‌توان یافت. روس‌ها به موجودی خیالی به نام دمووی اعتقاد دارند که در اجاق منازلشان سکنا دارد. هرچند این موجود مذکر است؛ اما خویشکاری‌های آن به خاتون بسیار شبیه است. آن‌ها بر این باورند دمووی روح اجدادشان است که از خانواده محافظت می‌کند. او شب‌ها از جایگاه خود بیرون می‌آید و گاهی شیطنت می‌کند و اهالی خانه را نیشگون می‌گیرد و یا ظروف را می‌شکند؛ از این رو، برای خوشنودی‌اش، در گوشه‌ای از خانه مقداری حلیم یا مقداری نان قرار می‌داند. او همانند خاتون چهارشنبه‌سوری، آینده را برای اهالی خانه رقم می‌زند. هنگامی که فردی در خواب بر اثر تماس دست‌هایی پشمالو، سرد و زبر بیدار شود، حتماً دمووی بوده و فاجعه‌ای برای خانواده اتفاق خواهد افتاد (وارنر، ۱۳۸۵: ۳۷).

۴. بررسی و تحلیل نشانه‌ها و نمادهای افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری

۴-۱. چاه

چاه در اساطیر و داستان‌ها نماد جا و مأوای سکونت دیوان و اژدها و حتی گنج‌های مخفی است و اژدهایی نگهبان اوست. چاه محل اسرار نهانی و نماد آگاهی و در ضمن بیانگر انسانی است که به آگاهی و شناخت رسیده است (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۹: ۴۸۵/۲). در تمدن سلت

آب‌ها، دریاچه‌ها، چاه‌های مقدس و مانند آن‌ها، دارای خواص سحرآمیز و محل اقامت موجودات مافوق طبیعی، مانند پری دریاچه‌اند. همچنین مدخل جهان دیگر به‌شمار می‌روند و نیروهای آب‌ها نشان‌دهنده حکمت جهان پیش‌آگاه خدایان است (کوپر، ۱۳۹۲: ۱۷).

در بسیاری از داستان‌ها می‌بینیم که قهرمان داستان بعد از ورود به چاهی سیاه و با گذر از موانع بسیار به حقیقت دست می‌یابد. داستان حضرت یوسف (ع) و محبوس شدنش در آن، تا رسیدن به عزیزی مصر شاهدهی بر این اندیشه است.

ازسویی دیگر، چاه جایگاه آب و حیات (آب حیات و ظلمات) است (تسلیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۱). می‌توان چاه را عالم غیب و رمز و راز نیز دانست؛ زیرا کسی از درون چاه باخبر نیست و خاتون از آنجا خارج می‌شود. آب مظهر روشنایی و دانایی و زندگی است. چاه می‌تواند مظهر جوشش آگاهی و روشنایی باشد (عاشوری، ۱۳۸۵: ۲۴۹).

در فرهنگ نمادهای آیینی، چاه با اصلی مادینه، نماد زهدان بزرگ ذکر شده است و با جهان فرودین مرتبط و بیشتر دارای آب‌های شفابخش، جادویی و برآورنده آرزوهاست (کوپر، ۱۳۹۱: ۱۱۵). چاه در تمامی سنت‌ها حالتی مقدس دارد و به صورت هم‌نهادی از نظم سه کیهان، یعنی آسمان، زمین و زیر زمین و سه عنصر آب، باد و خاک و راه ارتباطی میان آن‌هاست (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۹: ۴۸۴/۲). چاه آب نزد گیلانی‌ها نیز مقدس است. آن‌ها در این شب به کنار چاه آبی می‌روند و درحالی‌که به آب خیره می‌شوند، حاجت می‌طلبند. همچنین در تمام ادیان، آلوده‌کردن آب چاه و به طور اعم آب شرب، امری نکوهیده است.

چاه وجوه مختلف و متفاوتی در نمادشناسی فرهنگ‌ها و ملل دارد؛ زیرا در داستان «هاروت و ماروت»، چاه جایگاه عذاب الهی آن‌هاست. هاروت و ماروت که فریفته زنی

به نام زهره شده بودند، به فساد و تباهی گرفتار شدند. در نتیجه به عقوبت الهی دچار و در چاه بابل زندانی شدند (یاحقی، ۱۳۹۱: ۱۸۹).

۲-۴. شب

در فرهنگ نمادها شب همانند دیگر نمادها دو جنبه دارد: یکی جنبه تاریکی آن که ورود به شب را بازگشت به بی تمایزی بیان می کند و آن را تصویر ناخودآگاه می داند که در رؤیای شبانه آزاد و رها می شود. دیگر زمانی برای آماده سازی روز و بیرون آمدن نور زندگی (شوالیه و گبران، ۱۳۷۹: ۴/۳۰). در افسانه خاتون چهارشنبه سوری، خاتون همانند رؤیا از ناخودآگاه آن ها برخاسته است.

همچنین شب را مظهر هرج و مرج آغازین و به مفهوم تاریکی پیش از آفرینش کیهانی و زایش قبل از تولد مجدد یا ورود به آیین و نوید دانسته اند (کوپر، ۱۳۹۱: ۲۳۲). در باور ایرانیان شب مظهر تاریکی و سیاهی و از مظاهر اهریمنی بوده است. ایرانیان شب را منشأ و پرورنده حوادث می دانند؛ به گونه ای که در ادبیات فارسی عبارت «شب آستن حوادث بود» بسیار تکرار شده است.

۳-۴. روز

روز نماد زندگی دوباره بعد از غلبه بر دیو تاریکی و افشای اسرار نهانی شبانه است. خاتون چهارشنبه سوری نیز بعد از شبی اسرارآمیز، با طلوع اولین انوار خورشید و روشنایی، به جایگاه اسرارآمیز خود می رود و تا سال دیگر در همان جا باقی می ماند. در ایران، روز و روشنایی نمادهای نیک اهورایی اند و نشانه بهروزی و شادمانی و گشایش در کار (کزازی، ۱۳۹۰: ۱۶۹). روشنایی روز در برابر تاریکی شب، بیشتر جلوه می کند. سیاهی و سفیدی که نمادهای شب و روز هستند، همیشه با هم در ستیز بوده اند. سپیدی نماد روشنایی روز است. این نماد در سفیدی پر کیوتر- که مظهر صلح و آشتی است- در مقابل پر سیاه کلاغ- که نشانه رازآمیزی شب های تیره است- به خوبی مشهود است (همان، ۱۷۰).

صبح امید که بُد معتکف پرده غیب گو برون آی، که کار شب تار آخر شد

(حافظ، ۱۳۷۷: ۶۳)

همچنین روز و تالو اولین انوار خورشید، در افسانه‌های عامه شکننده افسون و باطل‌کننده سحر جادوگران است که موجب رهایی قهرمان داستان از مکر و حیلۀ دیو بدنهاد و جادوگر می‌شود. همان‌گونه که بیان شد در گیلان همانند دیگر مناطق کشور، مردم در این شب، برای گشایش بخت‌های بسته دختران خود و باروری بیشتر محصولات و درخت‌هایشان و جز این‌ها اعمالی را انجام می‌دهند؛ شبی جادویی که با طلوع خورشید خاصیت خود را از دست می‌دهد.

۴-۴. کهنگی

مأوای خاتون چهارشنبه‌سوری، نیز باید شرایط خاصی داشته باشد که از دل باورها و افسانه‌های مربوط به آن، می‌توان به خصوصیاتش پی‌برد. آنچه در این مورد با هم مشترک‌اند، کهنگی چاه است. برای مثال در افسانه‌ها، چاهی کهنه در بیابان را مأوای خاتون دانسته‌اند و اهالی پیربازار بر این عقیده‌اند چاه کهنه‌ای وجود دارد که هفت سال از آن آب برنداشته‌اند (غلامی‌کفتودی، ۱۳۷۹: ۲۲۴).

کهنگی نشان از دیرینگی و قدمت چیزی دارد. کهنه‌بودن چاه نیز، نمادی از قدمت افسانه در بین مردمان است و زمان نامعلوم به‌وجود آمدن افسانه را نشان می‌دهد.

۴-۵. بیداری

در این افسانه، هرکس چاه را بیابد، باید بیدار بماند تا خاتون از آن‌جا بیرون بیاید و جای گنج را که همان راه و شیوه زندگی است، به او بنماید.

بیداری حاکی از به‌یاد آوردن، تأیید و به‌رسمیت‌شناختن هویت حقیقی روح است؛ یعنی به‌رسمیت شناختن اصل و منشأ آسمانی آن. فقط پس از بیدار کردن انسان است که آن «پیام‌آور» وعده نجات و رستگاری را به او می‌دهد و نهایتاً به او می‌آموزد که در این دنیا چگونه رفتار کند ... نخواستن نمایانگر قدرت روحی است و بیدارماندن، یعنی کاملاً هوشیار، آگاه بودن و حضور داشتن در دنیای روح است (الیاده، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۶۵).

غلبه بر بیداری از آزمایش‌های رایج تشریف و رازآموزی در میان قبایل استرالیایی است که بعد از انجام موفقیت‌آمیز آن وارد مرحله دیگری از زندگی خواهند شد.

همچنین با نگاهی به اساطیر ملل، نقش بیداری و مبارزه با خواب برای رسیدن به حقایق زندگی مادی و معنوی در آن‌ها آشکار می‌شود. گیلگمش، قهرمان اساطیری بین‌النهرین، برای دستیابی به جاودانگی باید شش شبانه‌روز را در جزیره اوتنایشیم^۴ بیدار می‌ماند؛ اما موفق نمی‌شود و به جاودانگی دست نمی‌یابد (همان، ۱۶۵).

۵. تحلیل افسانه

عامه مردم از دیرباز تاکنون اعتقادات، باورها، کام‌ها و ناکامی‌های خود را قالب داستان می‌آورند و برای عینیت‌بخشیدن و دست‌یافتن به آن‌ها و یا فرار از آن‌ها، قهرمان‌ها، اسطوره‌ها و آیین‌هایی را ایجاد می‌کنند، و با تکرار آن‌ها، خواسته‌های دست‌نیافتنی خود را این‌گونه تحقق می‌بخشند. می‌توان این امر را به وضوح در افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری دید.

محققان، پژوهندگان و تحلیل‌گران افسانه‌ها و داستان‌های عامه، در تحلیل افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری، نظرات متفاوتی بیان کرده‌اند. آن‌ها خاتون را فرشته، پری، الهه اناهیتا، فروهر مردگان و غیره تصور کرده‌اند که در چنین شبی، بر انسان‌ها ظاهر می‌شود و تا حدودی آینده آن‌ها در گرو خشنودی و یا تکدر خاطر اوست. همچنین، برخی او را شخصیتی غیرواقعی و افسانه‌ای دانسته‌اند که بعد از اسلام شکل گرفته است. در ادامه به برخی از این نظرات می‌پردازیم.

۵-۱. پری

نویسنده افسانه‌های مردم گیلان، خاتون چهارشنبه‌سوری را در زمره پریان می‌داند که در شبی آیینی از مأمّن تاریخ خود بیرون می‌آید و انسان را به گنج و زندگی آسوده می‌رساند.

پری موجودی غیرواقعی و ماوراءالطبیعی است که در اندیشه و باور کهن اقوام ریشه دارد. پری در دوران باستان احتمالاً از زن-ایزدان باروری و زایش و فراوانی بوده که در اثر گذر زمان، شرایط اجتماعی و دخالت ارزش‌های اخلاقی نقش و کارکردش تغییر کرده و جنبه اغواگری و فریبندگی یافته است و موجب آوارگی و گزند و حتی

مرگ قهرمانان شده است (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۶-۷). پری در دین مزدیسنا به اهریمن تبدیل شد، سپس در فرهنگ و ادب فارسی دوباره نقشی مثبت و نیک‌منش یافت (موسوی بحنوردی، ۱۳۸۳: ۱۳/۱۸۶). پری در *اوستا* به نام‌های پئیری و پئیریکا آمده است.^۵ او موجودی لطیف، زیبا و مؤنث است که اهریمن آن را بر سر راه مزدیسنان قرار داده تا او را بفریبد و از اعمال نیک بازدارد (اوشیدری، ۱۳۸۹: ۱۹۴). از منظری دیگر، «پریان، تجلیات نیروهای مادینه جهان بودند که به ارواح نگهبان جهان به‌خصوص بیشه‌ها، چشمه‌ها و کوهساران تبدیل شدند» (کوپر، ۱۳۹۲: ۷۴).

برپایه دیدگاه‌های روان‌شناختی رابطه پری با افسون، رؤیا و دیوانگی موضوعی عادی و طبیعی و نمودی از ناخودآگاه بشری است. پری در اساطیر و رؤیاها همواره به صورت‌های زنانه (آنیما) تجسم می‌یابد (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۶). *فرهنگ نمادها* پری را به‌گونه‌ای ساخته ذهن بشر می‌داند که بازتاب‌دهنده قدرت، محقق‌کننده آرزوهای ناکام اوست. پری که نماد قدرت‌های خارق‌العاده و صاحب جادوست، می‌تواند تغییر شکل دهد و بالاترین آرزوهای انسانی را برآورده کند (شوالیه، ۱۳۸۸: ۲/۲۱۸). نویسنده *قهرمان هزارچهره* می‌نویسد: عملکرد صحیح اسطوره و افسانه پریان، آشکارکردن خطرهای فزون خاص گذر از راه تاریکی است که از دل تراژدی به کمندی می‌رسد. برای همین حوادث داستان‌ها خیال‌انگیز و غیرواقعی‌اند. آن‌ها نشان‌دهنده پیروزی روان‌اند، نه بدن (کمپیل، ۱۳۹۲: ۳۶). وی معتقد است حتی اگر داستان حول شخصیتی واقعی بگردد، زندگی‌اش دور از واقعیت و رؤیاگونه بیان می‌شود (همانجا). در این افسانه نیز مشاهده می‌گردد که خاتون زندگی غیرواقعی دارد و با سیلی‌ای که به افراد طالب گنج می‌زند، سعی در بیدارکردن روان خفته آنان دارد.

ازسویی دیگر، پریان موجودات جاودانه‌ای هستند که در دل شب و در زمان‌های خاصی از قصرهای باشکوه و مخفی از دید بشر، بیرون می‌آیند. پرسش اصلی این است که اگر خاتون چهارشنبه‌سوری را یک پری بدانیم - هرچند که ویژگی‌های پریان را دارد - چرا پری قصه ما به جای قصر زیبا و باشکوه، دل‌چاهی تاریک را انتخاب کرده است؟ چرا به جای فریب انسان‌ها، آرزوهای آن‌ها را محقق می‌کند؟ آیا او واقعاً یک پری است؟

۲-۵. فروهر مردگان

برخی محققان خاتون را تحول یافته فروهر مردگان می‌دانند که براساس باورهای مذهبی زردشتیان، در پایان سال به زمین می‌آیند و به بازماندگان خود سر می‌زنند و از اوضاع و احوال آن‌ها شادمان یا ناراحت می‌شوند. «فروهر از اساطیر و ایزدان است و شاید خاتون چهره دگرگون شده‌اش در قصه‌های عامه باشد. همان‌گونه که خاتون خانه آدم‌ها را پروتق می‌کند، فروهر نیز روان آدم‌ها را شاد می‌سازد. ایرانیان باستان این ایام را جشن می‌گرفتند» (تسلیمی، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۶۶). این فروشی‌ها، در آغاز بهار و در ایام همسپهمدیم^۷، به زمین می‌آیند و ۱۰ شب پیایی در زمین می‌مانند (بهار، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

فروردین نام خود را از فروهر گرفته است و جشن فروردین زمان نزول فروهرها از آسمان به زمین برای دیدن بازماندگان است و به آن «عید اموات» می‌گویند (پورداد، ۱۳۷۷: ۵۸۳، ۵۹۴). جشن فروردین آخرین جشن گهنبار^۸ است که ۱۰ روز طول می‌کشد و شامل ۵ روز آخر سال و ۵ روز سال جدید است (همان، ۵۹۶).

در بند ۴۹ از فروردین‌یشت آمده است: فروهرهای نیک توانای پاک مقدسین را می‌ستاییم که در هنگام همسپهمدیم از آرامگاه‌های خود به بیرون شتابند. در مدت ۱۰ شب، پی‌درپی در اینجا برای آگاهی یافتن به سر برند (پورداد، ۱۳۷۷: ۷۱/۲).

بنابر افسانه خاتون چهارشنبه‌سوری و افسانه‌های مناطق دیگر، در پایان سال (ایام همسپهمدیم)، این بانو به آن‌ها سر می‌زند و احوال اشخاص و منازل آن‌ها را بررسی می‌کند. خاتون چهارشنبه‌سوری از دیدگاه مردمان گیلان یک بانوست نه بیشتر؛ بنابراین اگر روح مردگان باشد، نباید فقط از یک بانو سخن به میان بیاید. هرچند بعضی از خصوصیات خاتون چهارشنبه‌سوری با باور سرکشی روح مردگان در پایان سال از بازماندگان و خانه‌هایی که در آن ساکن بودند، با این موضوع هم‌خوانی دارد؛ می‌توان آن را بازمانده آخرین گهنبار (همسپهمدیم) دانست که تاحدودی بعد از گذشت سالیان دراز و عوامل تاریخی و مذهبی مؤثر در آن، مختصر شده و به یک روز و یک بانو تبدیل شده است. اما آنچه در اینجا جای تردید است دانستن جای گنج است؛ زیرا فروهر در گذشتگان از جای گنج و اشیای مخفی خیردار نبوده‌اند.

۳-۵. آناهیتا

برخی بانوی چهارشنبه‌سوری را به ایزد نگهدارنده آب‌ها در ایران باستان ربط داده‌اند و بر این باورند که چون از دل چاه و در نتیجه از میان آب‌ها بیرون می‌آید، بنابراین می‌شود آن را آناهیتا پنداشت. آدابی را که زنان و دختران در آخرین چهارشنبه سال برای آوردن آب از رودخانه انجام می‌دهند، نمونه‌ای از تقدس آب و ایزد آن است^۹ (حسن‌زاده، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۳۱).

در کرده ۱۶ آب‌یشت، آناهیتا این‌گونه توصیف شده است: ... اردویسورناهدید به صورت دختر زیبایی بسیار برومند و خوش‌اندام، کمر در میان بسته، راست‌بالا، آزاده‌نژاد و شریف، از قوزک پا به پایین کفش‌های درخشان پوشیده با بندهای محکم (آن‌ها را) محکم بسته (پورداد، ۱۳۷۷: ۲۵۹)؛ بنابراین آناهیتا که همان ایزد آب‌ها در اساطیر مذهبی ایرانی است باید دوشیزه‌های جوان، زیبا و بلند باشد، نه پیرزنی بیرون‌آمده از چاهی کهنه در بیابان.

۴-۵. دئنه^{۱۰}

در تعبیر دیگری که نویسنده کتاب *افسانه‌های گیلان* از خاتون چهارشنبه‌سوری ارائه داده، به نقش متفاوت خاتون، یعنی برکت‌بخش توجه شده است. تسلیمی او را دارنده شخصیتی همانند دئنه (da ña)، با دو چهره و شخصیت می‌داند؛ چهره‌ای بسیار خشن و مجازات‌کننده خوشی‌های بی‌قید و تنبلی است.

دئنه دو چهره دارد: زنی زشت‌رو که چهره کردار بد آدمی است و در رستاخیز وی را به دوزخ می‌راند، و زنی زیبارو که چهره کردار خوب اوست و در فرجام او را به بهشت می‌برد. خاتون نیز دو چهره دارد: بر لذت‌جویی‌های بی‌قیدو بند خشم می‌گیرد و بر تلاش انسان ارج می‌نهد (تسلیمی، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

نتیجه‌گیری

چهارشنبه‌خاتون از جمله آیین‌های رایج گیلان است که از افسانه‌ها و اساطیر این سرزمین نشئت گرفته و با زندگی مردم در روزی آیینی درآمیخته است. گیلانی‌ها در روزی آیینی این افسانه را دوباره بازآفرینی و تکرار می‌کنند. محققان و پژوهشگران

درباره این افسانه و حتی ماهیت خاتون چهارشنبه‌سوری نظریاتی هرچند کوتاه بیان کرده و آن را با موجودات و اساطیر کهن ایرانی یکی دانسته‌اند. خاتون چهارشنبه‌سوری همانند بسیاری از باورها و آیین‌ها در اسطوره‌های کهن ایرانیان ریشه داشته و به مرور زمان و در طی ایام و با توجه به شرایط زمانی و مکانی و همچنین تغییرات مذهبی، این باور دینی به صورت افسانه‌ای درآمد که هنوز با گذشت سالیان متمادی، در زندگی و باورهای عامه مردم به خوبی حفظ شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. چارشمه خاتون (رفیعی، ۱۳۸۶: ۱۰۰)
۲. میوه درخت سدر.
۳. رازیانه.
۴. Utnapishtim: جزیره نیای اساطیری.
۵. برای اطلاعات بیشتر از ریشه لغوی و واژه‌شناسی پری ر.ک: *سایه‌های شکارشده* اثر بهمن سرکاراتی.
۶. ارواح ازلی مردگان
۷. Hamaspahmedim: به معنی همه سپاه و به یادبود آفرینش انسان گرامی داشته می‌شود (آموزگار، ۱۳۸۴: ۴۴).
۸. جشن‌های گهنبار، شامل شش جشن است که زردشتیان آن را به مناسبت مراحل شش‌گانه آفرینش در سال برگزار می‌کنند و عبارت‌اند از: مَدیوزَرَم، مَدیوشَم، پَدیشَهه، آیاسریم، مداریم و همسپهمدیم (بهار، ۱۳۹۱: ۴۴، ۶۴).
۹. اشاره به خاتون چهارشنبه در نزد زنان و دختران آذری.
۱۰. ایزدبانوی وجدان در نزد زردشتیان. وظیفه عمده او، بر پل چینود - حد فاصل گیتی و مینو- است. هنگامی که روان داوری شد و پای بر پل چینود می‌گذارد، اگر نیکوکار باشد، ایزدبانو به شکل زنی زیبا، به پیشواز وی می‌آید (آموزگار، ۱۳۸۴: ۳۱).

منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۴). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- افشاریان، نادر (۱۳۸۸). *تاریخ شفقت*. رشت: فرهنگ ایلیا.

نمادپردازی در افسانه «خاتون چهارشنبه‌سوری» در گیلان _____ فیروزه محسنی

- بشرا، محمد و طاهر طاهری (۱۳۸۸). جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان (آیین‌های نوروزی). رشت: فرهنگ ایلیا.
- بهار، مهرداد (۱۳۹۱). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگاه.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷). یشت‌ها. ج ۱-۲. تهران: اساطیر.
- پورهادی، مسعود (۱۳۸۶). فرهنگ خوراک مردم گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
- تسلیمی، علی (۱۳۸۱). گذر از جهان افسانه. رشت: چوبک.
- ----- (۱۳۹۰). افسانه‌های مردم گیلان (۲). رشت: فرهنگ ایلیا.
- حافظ (۱۳۷۷). دیوان. تهران: هاد.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۸۱). افسانه‌ زندگان. ج ۱ و ۲. تهران: بقعه.
- رفیعی جیردهی، علی (۱۳۸۶). لغت‌نامه تالشی. رشت: دانشگاه گیلان.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۹۳). سایه‌های شکارشده. ج ۳. تهران: طهوری.
- سعدی (۱۳۷۱). کلیات سعدی. محمدعلی فروغی. تهران: ققنوس.
- سعدی، سهراب (۱۳۸۶). «نوروز در میناب». نجوای فرهنگ. س ۲. ش ۵-۶. صص ۱۷۳-۱۷۹
- شعاعی، مالک و مهین پیرزادی (۱۳۸۷). گاه‌شماری در فرهنگ کردی. ایلام: گویش ایلام.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضایی. ج ۲ و ۴. تهران: جیحون.
- عاشوری، امیرقلی (۱۳۸۵). افسانه‌های عامیانه ماسال و طبقه‌بندی ساختاری آن. صومعه‌سرا: توکل.
- غلامی‌کفترودی، قاسم (۱۳۷۹). پیربازار (نگاهی به سرزمین و مردم پیربازار). رشت: مولف.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۰). رؤیا، حماسه، اسطوره. تهران: نشر مرکز.
- کمبیل، جوزف (۱۳۹۲). قهرمان هزارچهره. ترجمه شادی خسروپناه. مشهد: گل آفتاب.
- کوپر، جین (۱۳۹۲). فرهنگ نمادهای آیینی. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: علمی.
- گنجی، مسعود (۱۳۸۹). هویت فرهنگی مردم منطقه زیدون. اهواز: تراوا.
- موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۸۸). دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۱۳. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- موسوی، سیدهاشم (۱۳۸۶). *نمایش‌ها و بازی‌های سنتی گیلان*. تهران: فرهنگ ایلیا.
- نظرزاده، رسول (۱۳۹۱). *فرهنگ واژه‌های نمایش ایرانی*. تهران: افراز.
- وارنر، الیزابت (۱۳۸۵). *اسطوره‌های روسی*. تهران: مرکز.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۱). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها*. تهران: فرهنگ معاصر.

